



## خطبه های مقام معظم رهبری در اولین جمعه ماه مبارك رمضان - 12 / دی / 1376

بسم الله الرحمن الرحيم

«الحمد لله رب العالمين. نحمده و نستعينه و نستغفره و نتوب اليه و نؤمن به و نتوكل عليه و نصلي و نسلم على حبيبه و نجيبه و خيرته في خلقه ؛ سيد الانبياء والمرسلين، سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد و على آله الأطيبيين المنتجبين. سيما بقيه الله في الارضين . قال الله الحكيم في كتابه: «هو الذي بعث في الاميين رسولا منهم يتلوا عليهم آياته و يزيكهم و يعلمهم الكتاب والحكمة». ( 1 )

پروردگارا! با همه وجود و با همه حواس و احساسات و مشاعر خود، تو را سپاس می گوئیم که به ما فرصت عنایت کردی تا يك ماه رمضان ديگر را درك كنيم و يك بار ديگر در مهمانسرای الهی و معنوی مبارك تو وارد شويم. اگر اين فضل و لطف بزرگ الهی با اين توفيق همراه شود که بتوانيم اين بار از ضيافت الهی حقيقتاً استفاده كنيم و بر سر سفره انعام و احسان الهی بهره مند شويم، چنانچه تا آخر عمر يكسره شكر اين نعمت را بگزاريم، شكر لازم و حقيقي را نگزارده ايم. به شما برادران عزيز و خواهران گرامی و نمازگزاران، ورود در ساحت اين مهمانسرای الهی را تبريك عرض می كنم.

آنچه که امروز در خطبه اول عرض می كنم، اولاً توصيه همه شما برادران و خواهران عزيز به تقواست. هدف از روزه، تقوای الهی است و یکی از بزرگترین دستاوردهای ماه مبارك رمضان است. امیدوارم من و شما بتوانيم به برکت اين ماه، در رفتار خود، در گفتار خود، در احساسات و اندیشه های خود، تقوای الهی و آن مراقبت عظيم را حاکم كنيم و خود را يك قدم به کمال انسانی نزديك سازيم. بعد هم صحبت کوتاهی درباره روزه است که وظیفه عمده در اين ماه مبارك به حساب می آيد.

خدای متعال بشر را طوری آفريده است که به تربيت احتياج دارد. هم از بيرون بايد او را تربيت کنند، هم از درون خودش بايد خودش را تربيت کند. در مقوله مسائل معنوی، اين تربيت، یکی تربيت فکر و قوای عقلانی اوست که محلّ اين تربيت، تعليم است و یکی تربيت نفس و قوای روحی و قوه غضبيّه و شهويّه اوست که نام اين تربيت، تزکيه است.

اگر انسان تعليم درست و تزکيه درست شود، همان ماده مستعدی است که در کارخانه مناسبی شکل مطلوب خود را پيدا کرده و به کمال رسیده است. هم در اين نشئه وجود او منشأ برکت و خير و مایه آبادی جهان و آبادی دلهاي انسانهاست، هم وقتی وارد نشئه ديگر شد و به عالم آخرت قدم گذارد، سرنوشت او همان سرنوشتی است که همه انسانها از اول تا امروز مشتاق آن بوده اند ؛ يعنی نجات، زندگی ابدی سعادت‌مندان و بهشت. لذا انبيا از اول تا نبی مکرمّ خاتم صلی الله عليه وآله سلم، هدف خود را تعليم و تزکيه معيّن کرده اند: «يزکيهم و يعلمهم الكتاب والحكمة». انسانها را، هم تربيت عقلانی و فکری می کنند و هم تربيت روحی.

تمام عبادات و تکاليف شرعی ای که من و شما را امر کرده اند تا انجام دهيم، درحقيقت ابزارهای همين تزکيه يا همين تربيت است ؛ برای اين است که ما کامل شويم ؛ ورزش است. همچنان که اگر ورزش نکنيد، جسم شما ناتوان، بی قدرت و آسیب پذير خواهد شد و اگر بخواهيد جسم را به قدرت، به زیبایی، به توانایی، به بروز قدرتها و استعدادهای گوناگون برسانيد، بايد ورزش کنید. نماز، ورزش است ؛ روزه، ورزش است ؛ انفاق، ورزش است ؛ اجتناب از گناهان، ورزش است ؛ دروغ نگفتن، ورزش است ؛ خيرخواهی برای انسانها، ورزش است. با اين ورزشها، روح زيبا و قوی و کامل می شود. اگر اين ورزشها انجام نگیرد، ممکن است به ظاهر خیلی پسندیده به نظر بياييم ؛ اما باطنمان يك باطن ناقص و نحيف و حقير و آسیب پذير خواهد بود. روزه، یکی از اين ورزشهاست.

روزه فقط اين نيست که انسان نخورد و نياشامد. اين نخوردن و نياشاميدن، بايد از روی نيّت باشد، والا اگر شما يك



روز به خاطر گرفتاری و یا اشتغال به کار، دوازده ساعت، پانزده ساعت فرصت نکنید چیزی بخورید، هیچ ثوابی به شما نخواهند داد. اما همین امساک را وقتی با نیت انجام دادید - «اجعلنا ممن نوى فعل»؛ نیت کند و به دنبال آن، عمل انجام دهد - این همان گوهر درخشانی می شود که به شما ارزش می بخشد و روحتان را قیمتی می کند. شرط روزه، نیت است. نیت یعنی چه؟ یعنی این عمل را، این حرکت را، این امساک و تمرین را، جهت دادن برای خدا، در راه خدا، به خاطر انجام دستور الهی. این است که به هر کاری ارزش می بخشد. لذا در دعای شب اول ماه مبارک می خوانید که: «اللهم اجعلنا ممن نوى فعل ولا تجعلنا ممن شقى فکسل» (2). کسالت، بی رغبتی و بی نشاطی برای کار - چه کار معنوی و چه کار مادی - شقاوت است.

روزه، یکی از بهترین کارهاست. با این که به ظاهر اقدام نکردن است؛ اما در باطن اقدام است، عمل است، کار مثبت است. چون شما نیت این کار را دارید؛ لذا از هنگامی که وارد صحنه روزه داری می شوید - یعنی از بعد از لحظه طلوع فجر - تا آخر روز به طور دائم به خاطر این نیت، در حال عبادتید. اگر هم بخواهید، عبادت می کنید. همین طور راه بروید، عبادت می کنید.

این که از قول نبی اکرم علیه و علی آله الصلوة والسلام نقل شده است که فرمود: «انفاسکم فیه تسبیح و نومکم فیه عبادة (3)»؛ خوابیدن و نفس کشیدن شما عبادت است، خواب چطور عبادت می شود؟ نفس کشیدن چطور «سبحان الله» گفتن می شود؟ این به خاطر آن است که شما بی کار هم که باشید، هیچ اقدامی هم که نکنید، چون با این نیت وارد این وادی شده اید، یکسره در حال عبادتید.

در روایت دیگر می فرماید: «نوم الصائم عبادة و صمته تسبیح (4)»؛ سکوت هم که می کنید، مثل این است که «سبحان الله» می گویند. و «عمله متقبل و دعائه مستجاب (5)»؛ عمل شما مقبول، و دعایتان مستجاب است. سکوت شما عبادت است، نفس کشیدن شما عبادت است، خوابیدن شما عبادت است. چرا؟ چون شما این امساک و این دست کشیدن از بخشی از لذات جسمانی را، برای خدا در یک مدت سی روزه - ماه رمضان - تجربه می کنید. همه این عبادت و دیگر عبادات، برگرد این محور می گردد که انسان با مشتهیات نفسانی و با لذایذی که انسان را به پستی می کشانند و برده می کنند، مبارزه کند. افسار گسیخته کردن نفس انسانی، هنر نیست. هر چه در توان داری لذت ببری، برای انسان کمال نیست؛ این از مقوله حیوانیت است. انسان هم یک جنبه حیوانی دارد؛ تقویت جنبه حیوانی است. البته جنبه حیوانی هم جزو ماست و نخواستند که ما آن را نداشته باشیم. خوردن، آشامیدن، استراحت کردن، لذت مباح بردن، جزو وجود ماست؛ اشکال هم ندارد و کسی آنها را منع هم نکرده است. آنچه ممنوع است، این است که انسان در این جنبه غرق شود. مادیگری، انسان را به غرق شدن در این جنبه می کشاند. ادیان و روشهای عقلانی عالم - که روش الهی، مبتنی بر پایه های عقلانی است - جلو انسان را می گیرد، تا در این سرایش لذت بری از لذایذ و مشتهیات زندگی، اختیار خود را از دست ندهد و فرو نغلتد. هر دعوتی که انسان را به لجام گسیختگی در لذات بکشاند، دعوت به آتش و دعوت به بدبختی و هلاکت است. به طور کلی، دعوت انبیا، دعوت حکما، دعوتهای الهی، در جهت کفّ نفس از این لذایذ است، که روزه هم از این قبیل است. به همین خاطر است که در روایات ما، ماه رمضان یک صحنه مناسب شمرده شده است؛ برای این که انسان در این ماه تمرین کند و مجموعه گناهان را ترک گوید.

یک روایت از امام صادق علیه الصلوة والسلام است که خطاب به «محمد بن مسلم» می فرماید: «یا محمد! اذا صمت فلیصم سمعک و بصرک و لسانک و لحمک و دمک و جلدک و شعرك و بشرک (6)». امام صادق به این یار و شاگرد نزدیک خودشان می فرمایند که وقتی روزه می گیری، باید شنوایی تو روزه گیر باشد، بینایی تو روزه بگیرد، زبان تو روزه بگیرد، گوشت و خون و پوست و موی و بشره تو روزه دار باشد؛ دروغ نگویی، انسانهای مؤمن را دچار بلا نکنی، دلهای ساده را اغوا نکنی، برای برادران مسلمان و جامعه اسلامی توطئه درست نکنی، بدخواهی نکنی، بددلی نکنی،



تهمت نرنی، کم فروشی نکنی، امانتداری کنی. انسانی که در ماه رمضان با کفِ نفس خود، از خوردن و آشامیدن و مشتتهیاتِ نفسانی و جنسی روزه می گیرد، باید زبان خود، چشم خود، گوش خود، و همه اعضا و جوارح خود را روزه دار بداند و خود را در محضر خدای متعال و دوری گزیده از گناهان بینگارد. دنباله روایت می فرماید: «ولایکون یوم صومک کیوم فطرتک»؛ روزه روزه تو، مثل روز فطر تو نباشد؛ مثل روزهای عادی باشد. روز ماه رمضان هم همان گونه رفتار کنی که در روزهای عادی رفتار کردی. باید به تربیت نفس توجه کنی و این فرصت را مغتنم بشماری. در یک روایتی دیگر می فرماید: «صوم النفس امساک الحواس الخمس عن سائر المأثم» (7). از امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام نقل شده است که روزه نفس، غیر از روزه جسم و روزه شکم است. روزه نفس انسان این است که همه حواس پنجگانه او از گناهان امساک کنند. «و خلّو القلب من جمیع اسباب الشر»؛ دل از همه موجبات و اسباب شرّ و فساد خالی شود. با خدای متعال و با بندگان خدا، دل را صاف و بی غلّ و غش کنیم. در این جهت، روایات زیادی هست.

برادران و خواهران عزیز! از این فرصت استفاده کنیم. ماه رمضان یک فرصت بسیار مغتنم است، برای این که خودمان را به خدا نزدیک کنیم، به کمال نزدیک کنیم، از مفاسد دور کنیم، از گناهان پاک کنیم. این دعاهایی که در این ماه هست، این استغفاری که در این ماه مستحب است، همه فرصت است؛ مبدا این فرصتها از دست برود. این ماه رمضان به زودی تمام خواهد شد. اگر تا ماه رمضان دیگر زنده بمانید، آن هم مثل برق و باد خواهد گذشت. این فرصتهای ذی قیمت از دست خواهد رفت؛ از هر روز و ساعتش باید استفاده کنید. من به شما برادران و خواهران نمازگزار؛ بخصوص به جوانان توصیه می کنم که از این بهار رحمت الهی استفاده کنید، استغفار کنید، در خانه خدا بروید، از گناهان تن و گناهان روح و گناهان فکر و قلب استغفار کنید. آن جامعه ای که این طور محلّ استغفار الهی و توبه الی الله باشد، جامعه نورانی خواهد بود و به برکت آن نورانیت، پروردگار متعال خیرات را بر جامعه نازل خواهد کرد؛ همچنان که به برکت همین دلهای پاک و ارواح طیبه شما مردم در طول این هجده، نوزده سال پیروزی انقلاب، برکات و خیرات و لطف خودش را بر این ملت و بر این کشور نازل کرده است. برای حفظ و جلب رحمت الهی، باید به در خانه خدا رفت.

چند جمله هم به عنوان دعا عرض کنم. همه از خدای متعال در این لحظات مُشرف به اذان ظهر، حاجات عمده ملت مسلمان، امت مسلمان و این ملت بزرگ را بخواهیم:

«نسئلك اللهم و ندعوك، باسمك العظيم الاعظم، الاعزّ الاجلّ الاکرم یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب.»  
پروردگارا! دلهای ما را بر دین و ایمان ثابت بدار. قدمهای ما را در راه خودت ثابت و مستحکم بدار. نصرت خود را بر ملت ایران و بر امت اسلامی نازل کن. دشمنان اسلام و مسلمین را مخدول و منکوب بگردان. در این ماه، رحمت خود را بر جسمها و روحها و محیط زندگی ما ببار. پروردگارا! دلهای ما را از آنچه که هست، با یکدیگر مهربانتر کن. پروردگارا! این ملت را در میان ملل دنیا سربلند بگردان؛ گرفتاریهای او را برطرف کن؛ همه امورش را اصلاح فرما و کسانی را که به این ملت خدمت می کنند، مشمول رحمت و لطف خود قرار بده. پروردگارا! ما را با قرآن و با اسلام زنده بدار؛ با قرآن و با اسلام و در راه آنها بمیران؛ با قرآن در قیامت محشور بگردان. پروردگارا! قلب مقدّس ولیّ عصر را از ما راضی و خشنود کن؛ ادعیه زاکیه آن بزرگوار را شامل حال ما بگردان. پروردگارا! ارواح طیبه شهدای عزیز ما، روح مطهر امام الشهداء رضوان الله علیه را از ما راضی و خشنود بگردان؛ راه ما را راه آنان و سرانجام ما را سرانجام آنان قرار بده.

بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد. الله الصمد، لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد. (8)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین. والصلوة والسلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمد و علی آله الاطیبین



الاطهرین المنتجبین. سیما علی امیرالمؤمنین و سیده المعصومه الزهراء الجلیله سیده نساء العالمین والحسن والحسین سیدی شباب اهل الجته و علی بن الحسین زین العابدین و محمد بن علی الباقر و جعفر بن محمد الصادق و موسی بن جعفر الکاظم و علی بن موسی الرضا و محمد بن علی الجواد و علی بن محمد الهادی و الحسن بن علی الزکی العسکری والحجة القائم المهدي. حججک علی عبادک و امنائک فی بلادک و صلّ علی ائمة المسلمین و حماة المستضعفین و هداة المؤمنین.

من در این خطبه هم برادران و خواهران عزیز را به تقوای الهی دعوت و توصیه می کنم. موضوعی که در این خطبه در نظر داشتم عرض کنم، به نحوی نیست که بشود در این هوای بارانی - که ذهن من مشغول به برادران و خواهرانی است که در خیابانها و فضای باز ایستاده اند - به تفصیل وارد این موضوع شوم و حرف بزنم. ناگزیر به یک اشاره و مختصری اکتفا خواهم کرد و اگر توفیقی دست داد که باز هم در یکی از جمعه های این ماه، به زیارت نمازگزاران در نماز جمعه مشرف شوم، شاید تفصیل بیشتر را در آن هنگام و آن فرصت عرض کنم.

خلاصه ای که به نظرم می رسد الان عرض کنم، این است که استکبار بر روی تبلیغات، خیلی حساب می کند و البته این غلط هم نیست! به یک معنا دستگاه استکبار، اشتباه هم نمی کند که بر روی تبلیغات حساب می کند. هم در زمینه های سیاسی، که ما وقتی در زمینه سیاسی بحث می کنیم، جبهه مقابل را تعبیر به «استکبار» می کنیم - که این نامگذاری دلایلی دارد - و هم وقتی در جبهه مبارزه ی فرهنگی بحث می کنیم، جبهه مقابل را «فرهنگ غربی» یا «فرهنگ تهاجم» می گوئیم - که این نامگذاری هم باز دلایل خودش را دارد - فعلاً بحث من بر سر مواجهه استکبار با نظام جمهوری اسلامی است.

در واقع استکبار، تبلیغات را میداندار مبارزه علیه خط و ربط و جهتگیری ملت مسلمان کرده است. نه این که بخواهیم بگوئیم از حالا، بلکه از همان ماههای اول پیروزی انقلاب، این کار شد. منتها در واقع، اقبال با استکبار نبود؛ کما این که امروز هم در این جهت، اقبال با استکبار نیست! آنها که روی تبلیغات حساب می کنند، از این باب است که اثر تبلیغات را در دنیا دیده اند. فرض بفرمایید که تبلیغات در این قضایای تبدیل و امحای نظامهای مارکسیستی در اروپای شرقی، نقش خیلی عجیبی داشت. ما بخصوص بعضی از این قضایا را با دقت دنبال می کردیم و اثر تبلیغات را لحظه به لحظه می دیدیم.

فرض کنید در رومانی، تبلیغات امریکایی و غربی، قدم به قدم آن مردم را راهنمایی می کرد؛ یا قبل از آن در تبلیغات لهستان، در آن نهضت همبستگی که زمان حکومت مارکسیستی داشتند، تبلیغات رادیو امریکا و تبلیغات جهانی، مردم را تقریباً قدم به قدم هدایت می کرد که چه کار بکنید، به کدام سمت حرکت کنید، چه کسی را بلند کنید و چه کسی را به زمین بزنید! اینها را دیده اند؛ حتی در شوروی سابق و در جاهای دیگر نیز همین طور.

اشتباه آنها این است که ایران اسلامی را با اروپای شرقی و ملت ایران را با ملتهای اروپای شرقی مقایسه می کنند؛ در حالی که ملت ایران، تفاوتهای عجیب و عمیقی با آنها دارد. اولاً این ملت، سوابقی از این استکباری که سردمداران این رادیوها هستند - مثل امریکا و مثل انگلیس - دارد، که این سوابق، شکاف و فاصله را زیاد کرده است.

این ملت، دهها سال چوب خبثت و ملعنت و دشمنی اینها را خورده است - اینها که فراموش نمی شود - بعد، از اول انقلاب تا به حال، غرض ورزی اینها را در تبلیغات دیده است. مثلاً در جنگ تحمیلی، همین ملت ایران و همین جوانان آحاد مردم در جبهه های جنگ بودند؛ کس دیگری نبود. اینها می دیدند که تبلیغات استکباری، چطور واقعیات جنگ را صد و هشتاد درجه عکس آنچه که بود، منعکس می کرد!

می خواستند عراق را در تبلیغات خودشان، موجه، مقبول، پیروز و مظفر منعکس کنند - با آن همه جنایتی که آن وقت از آن جبهه سر می زد - و ایران را با این جوانان نورانی، با این مردم مؤمن، با این انسانهای والا و بزرگوار، با این اخلاقیات برجسته و پیشرفته، با این ایثار، با این خداترسی و با این روحها و دلهای نازنین در این مردم، در چهره



دژخیمی معرفی کنند!

خوب؛ مردم اینها را یادشان است و فراموش نکرده اند که تبلیغات خصمانه علیه ما که از طرف استکبار اداره می شود، این گونه بدنام و بدسابقه است. لذاست که تبلیغاتشان اثری نمی بخشد. هر چه حرکت می کنند، فایده ای ندارد!

اما ملت ایران باید بداند که آنها روی تبلیغات اهمیت می دهند. ببینید؛ یک بدیها و نابسامانیهای در بین ما، برای دشمن ما مطلوب است؛ می خواهند اینها تحقق پیدا کند. اگر توانستند که این نابسامانیها و بدیها و زشتیها و خرابیها را به وجود آورند، که خوب، به وجود می آورند. منتها نمی توانند؛ وقتی نمی توانند، حداقل این است که در تبلیغاتشان این طور وانمود کنند که این بدیها هست!

این برای آنها، مقداری از موفقیت است که ممکن است ذهنهای بعضیها را آشفته کند، دلهای بعضیها را بلرزاند، یا دوستان جمهوری اسلامی را در خارج از این کشور، مردّد کند. من چندی پیش هم در صحبتی گفتم که در واقع دشمنان ما با نقاطی که در تبلیغاتشان برجسته می کنند، نوعی خدمت به طراحان و گردانندگان نظام جمهوری اسلامی می کنند! آن خدمت این است که مشت خود را باز می کنند؛ نشان می دهند که بر روی چه چیزهایی حساسیت دارند.

امروز اگر من بخواهم به صورت خلاصه عرض کنم که اینها بر روی چه چیزهایی حساسیت دارند، باید عرض کنم در درجه اول، این سه چیز است: یکی اختلاف. اصرار دارند وانمود کنند که در نظام جمهوری اسلامی، اختلاف هست. یک وقت می گویند: اختلاف بین مسؤولین. یک وقت می گویند: اختلاف بین دست اندرکاران نظام. در دایره ای وسیعتر، یک وقت می گویند: اختلاف بین مردم و مسؤولین. یک وقت می گویند: اختلاف بین مردم! سعی می کنند این طور وانمود کنند که اختلاف هست.

حتی بعد از برگزاری کنفرانس اسلامی باشکوهی که در تهران تشکیل شد، همه دست اندرکاران و سیاسیون دنیا مبهوت شدند؛ چون دیدند مسؤولین جمهوری اسلامی یک مجموعه اند. به قول جوانان: یک تیم کامل؛ هر کسی کار خود را انجام می دهد، همه هم هماهنگ. خیلی برای آنها شگفت آور بود؛ چون تبلیغات دشمن، عکس این را القا نموده و فریاد کشیده و تبلیغ کرده بود! این جا دیدند نخیر؛ این طور نیست، بلکه یک مجموعه هماهنگ با یک تمرکز قوی بر روی مسائل مشترکی، هر کسی کار و وظیفه و روابط تعریف شده خود را می شناسد و عمل می کند. این را سعی می کنند؛ حتی بعد از آن هم که این، به روشنی و وضوح نشان داده شد، باز تبلیغات دشمنان، به زیانهای مختلف، مرتب سعی می کنند همین را هم مخدوش کنند. پس یکی مسأله اختلاف است. مسأله دوم، گرایش به غرب، یا گرایش به امریکاست. مرتب سعی می کنند این را هم القا کنند که بله، در ایران یک جناح - گاهی می گویند یک جناح، گاهی می گویند کسی، گاهی می گویند مجموعه ای، گاهی می گویند مردم، گاهی می گویند دولتیها - دلشان می خواهد که به غرب، گرایش پیدا کنند؛ طرف غرب - طرف امریکا - بروند و آشتی کنند!

دلشان خوش است به این که این را تبلیغ کنند؛ چون اگر می توانستند چنین کاری را انجام دهند، البته می کردند؛ حالا که نتوانستند و می بینند که نظام جمهوری اسلامی، جهتگیری منطقی و عقلایی و مستدلّ خود را به طور مستحکمی حفظ کرده است، مصلحت خودشان می دانند که اینها را تبلیغ کنند. می گویند: فلان کس به امریکا گرایش دارد، فلان کس به غرب گرایش دارد، فلان کس حرکت چنین می کند و با دیگران مخالف است! برای این که شاید بتوانند در داخل، دلهایی را متزلزل کنند، شاید بتوانند در بین مردم، اختلاف بیندازند، شاید بتوانند دوستان را در دنیا متزلزل کنند! این هم یک نقطه دیگر است که روی این، بسیار مانور و حرکت می کنند.

نقطه سوم هم بی اعتقادی مردم به اسلام و نظام و ایمان اسلامی است. این را هم به شدت تبلیغ می کنند. خوب؛





در داخل کشور، جوانان ما، دانشجویان ما، همین دانشگاه تهران ما، همین مسجد دانشگاه، شاهد عبادت و راز و نیاز و نماز جماعت و اعتکاف و روزه داری برجسته ترین جوانان این مملکت است. بهترین جوانان هر کشور، جوانانی هستند که صاحب فکر و با اندیشه باشند. قاعدتاً و غالباً در میان دانشجویان، این طور کسانی به صورت وافر پیدا می شوند؛ البته در بین غیردانشجویان هم این طور جوانان خوب هستند. ولی در زمان قدیم - زمان ما که جوان بودیم - در میان دانشجویان، در دانشگاه تهران و بعضی دانشگاههای دیگر و در همه ایران، شاید هزار نفر اعتکاف نمی کردند! در قم که مرکز دین و عبادت بود، شاید چند صد نفر طلبه اعتکاف می کردند. معمول نبود؛ مردم دور بودند. عزیزان من! من این را همین جا بگویم که دستهایی - تبلیغات دروغین و گاهی احمقانه و گاهی خبیثانه - می خواهند این طور وانمود کنند که مردم در سابق، از حالا دیندارتر و با اخلاقتر بودند! این، دروغ است. سابق یعنی چه وقت؟ یعنی دویست سال قبل؟ بله، ممکن است؛ البته آن را هم ما چیزهایی شنیده ایم، ندیده ایم. آن سابقی که ما یادمان است - پنجاه سال قبل، چهل سال قبل، سی سال قبل - انسان که در ماه رمضان به شهر تهران وارد می شد، اصلاً حال و هوای روزه در این شهر نبود! مردم راه می رفتند و راحت سیگار می کشیدند، غذا می خوردند، ساندویچ می خوردند! اصلاً کسی احساس نمی کرد که این جا روزه است! مشهد که شهری مذهبی بود - ما در مشهد بودیم - مردم راحت و علنی روزه می خوردند؛ کانه در بعضی از بخشهای شهر، اصلاً ماه رمضان نیامده است! در مساجد - ظهر ماه رمضان در غالب مساجدی که انسان سر می زد و می رفتیم، می دیدیم - پنجاه نفر، چهل نفر، حداکثر صد نفر جمعیت نشسته بودند؛ مگر این که در جایی يك منبری معروف خوش بیانی باشد!

امروز شما نگاه کنید! همه جا روزه دار است، همه جا در حال ذکر و در حال توجه است و بهترین روزه داران از میان جوانانند. جلسات قرآن، جلسات دعا، جلسات توسل، جلسات تضرع و سخنرانیهای طولانی هست. اصلاً آیا با گذشته قابل مقایسه است؟ اعتکاف نیز همین طور بود. اصلاً اعتکاف در گذشته خیلی کم بود؛ سخت بود، کار مشکلی بود. باید سه روز، روزه می گرفتند، در مسجد می ماندند و از مسجد بیرون نمی رفتند؛ همه کس حاضر نبود.

امروز جوانان ما - در دنیایی که نسل جوان روز به روز، رو به فساد بیشتر می رود - در این مملکت، روزه روز پاکیزه تر، طاهرتر و نورانی تر می شوند. آن وقت تبلیغات استکباری، این کشور و این جوانان، این دانشگاه، این دانشجو و این استاد دانشگاه و نیز این طبقات گوناگون مردم را که همه سعی می کنند به خدا نزدیک شوند، و خودشان را بیشتر با اسلام و احکام اسلامی منطبق کنند، می کوشد این گونه وانمود کند که از اسلام دور شده اند!

نظام اسلامی آن چنان جوانان را تربیت کرده و آن چنان حکومتی آورده است که وقتی همه دنیا از فسادهای اخلاقی رنج می برند، اینها درامانند. در کشور بزرگ امریکا، بسیاری از مصلحین و متفکران و مردان روحانی، فریادشان از فساد که در آن جا حاکم است، بلند است، همه می نالند و راه علاجی پیدا نمی کنند؛ اما نظام جمهوری اسلامی در چنین شرایطی توانسته است محیطی امن و امان برای نسل جوان به وجود آورد.

این سه محور برای تبلیغات آنهاست. البته عزیزان من! شما بدانید ما حالا در نماز جمعه این قضایا را این طور راحت مطرح می کنیم و مردم عزیز ما هم بحمدالله هوشیارند، خودشان متوجهند و این حرفها را تا اعماق جانیشان می پذیرند؛ ولی طرف مقابل که استکبار باشد، برای این که همان حرفها را جا بیندازد، بیچاره میلیاردها دلار خرج می کند؛ میلیاردها! اگر شما بدانید که همین رادیو بسبسی و همین رادیوها و تلویزیونهای امریکایی و رادیوهای صهیونیستی، چقدر خرج می کنند برای این که شاید این حرفها را به گوش مردم برسانند تا شاید يك نفر باور کند! خوب؛ «قل هل ننبئکم بالاخسرین اعمالا، الذین ضلّ سعیمهم فی الحیاة الدنیا» (9)، مصداق کاملش همینها هستند! تلاش می کنند، زحمت می کشند، می نشینند، طراچی می کنند، وسایل فتی مدرن می سازند، رادیوها و تلویزیونهایشان چه می کنند، برای این که شاید این حرفها را به گوش مردم برسانند، تا به دلهای آنها اثر کند! مردم هم، خیلیها که اصلاً اعتنا و اعتماد نمی کنند، گوش نمی کنند؛ بعضیها هم که می شنوند، اکثرش را باور نمی کنند.



اگر هم کسی اشتباه کرده باشد، با توضیحی که داده می شود، در او اثر می کند. این هم لطف الهی است. به هر حال این سه محور، از محورهای حساس دشمن است. پس، اختلاف را می خواهد و تبلیغ می کند. گرایش به غرب و به امریکا و اصرار و نیت یک اقدام نادرست و غیرمنطقی را می خواهد و در زمینه ارتباط با جبهه استکبار، تبلیغ می کند - که البته همه اینها خلاف واقع است؛ نه آن درست است، نه این - و گرایش مردم به سمت بی اعتمادی به دین و اسلام و نظام اسلامی را هم تبلیغ می کند که این هم خلاف واقع دیگری است. الحمدلله روش شما مردم هم پاسخ همه اینها را داده است. این نماز جمعه و این مراسم ماه رمضان است. عزیزان من! هر چه می توانید، وحدتتان را بیشتر حفظ کنید، اتحادتان را با هم حفظ کنید، دلها را به هم نزدیک کنید. دولت و ملت، هر چه می توانید به هم نزدیک شوید. در مقابل جبهه استکبار، هر چه می توانید خودتان را یکپارچه کنید. هر چه می توانید خود را به خدا و در خانه خدا نزدیک کنید. از خدا بخواهید، به خدا اعتماد کنید و به خدا پناه ببرید. خدای متعال، همچنان که در این هجده، نوزده سال، پشتیبان ملت ایران بود و ملت ایران را امروز از صورت یک ملت بدون هیچ گونه تجهیزات، به این عزت و عظمت و پیشرفت مادی و معنوی رسانده است، باز هم قادر است که این ملت را بر دشمنانش - بر دشمنان پر سروصدا و پرهای وهویش - به طور کامل پیروز کند و چشم این ملت و این مردم - بخصوص اینثارگران و خانواده های شهدا - را روشن فرماید.

بسم الله الرحمن الرحيم. انا اعطيناك الكوثر. فصل لربك وانحر. ان شانئك هو الابتر. ( 10 )  
والسلام عليكم ورحمة الله و بركاته

(1) جمعه: 2

(2) الاقبال باعمال الحسنة، ج 1، ص 1376

(3) امالی شيخ صدوق، ص 84

(4) ثواب الاعمال، ص 75

(5) ثواب الاعمال، ص 75

(6) المقنعة، ص 310

(7) غررالحکم: ح 5889

(8) توحيد: 4 - 1

(9) كهف: 103 - 104

(10) كوثر: 3 - 1